

# در انتظار قانون‌گرایی: تحلیل متنی نظریه حاکمیت قانون در ایران\*

سیدشهاب‌الدین موسوی‌زاده مرکیه\*\*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۷/۱۴

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۶/۱۰

هدف این مقاله آن است که ضمن تبیین ماهیت میان‌رشته‌ای قانون‌گرایی، با توجه به فرضیه خود (عدم وجود زمینه فرهنگی قانون‌گرایی در ایران) به بررسی پیمایشی بپردازد. این مقاله یک تحقیق بنیادی با هدف توصیف و تحلیل و به روش ترکیبی است که با ابزار گردآوری، فیش‌برداری و پرسشنامه محقق شده است. جامعه آماری کل دانشجویان دانشگاه بهشتی بودند که ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای یک مرحله‌ای مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌های نظری نشان داد قانون‌گرایی با توجه به شاخص نفی رفتار دلخواهی پدیده‌ای متغیر و متنی و عامل اصلی غیبت آن در ایران نبود زمینه فرهنگی است. طبق یافته‌های پیمایشی، ۷۴ درصد از نمونه آماری گرایش منفی به قانون داشتند، بیش از ۶۵ درصد نظام حقوقی را مشروع نمی‌دانستند و ۷۲ درصد به برابری در مقابل قانون باور نداشتند. میانگین گرایش منفی به قانون ۳/۸۷۲۰، عدم اعتقاد به مشروعیت سیستم حقوقی ۳/۸۴۵۰ و عدم باور به برابری در مقابل قانون ۳/۹۶۴۴ بود.

پس از تأیید نرمال بودن داده‌ها در آزمون «کلموگروف - اسمیرنوف»، از آزمون پارامتریک t-تک نمونه‌ای استفاده شد که ضمن تأیید فرضیه نشان داد میانگین گرایش منفی به قانون در حالت رایج در جامعه ۱۰/۲۹۲، عدم باور به مشروعیت سیستم حقوقی ۷/۹۶۰ و عدم اعتقاد به برابری در مقابل قانون ۱۰/۸۵۰ می‌باشد. بر این اساس جامعه ما فاقد استعداد فرهنگی مناسب برای طلوع و تداوم پدیدار قانون‌گرایی است.

**کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی قانون‌گرایی؛ جامعه‌شناسی حقوق عمومی؛ فرهنگ؛ حقوق**

\* مستخرج از رساله «زمینه فرهنگی قانون‌گرایی - با تأکید بر مورد ایران»، مقطع دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.

\*\* دکتری رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی؛

## مقدمه

وجود نظم قانونی، برای نظام حقوقی رسمی کشورها حائز اهمیت است. مطالعات نشان می‌دهد تبعیت مقامات و مردم یک جامعه از قانون، گذار آن جامعه از نظام ارباب و رعیتی به نظام شهروندی بوده (راسخ و بخشی‌زاده، ۱۳۹۲؛ عباداللهی، ۱۳۸۹: ۱۳۲ و North and et al., 2009) و وجود چنین مؤلفه‌ای یکی از عناصر برجسته شهروندی محسوب می‌شود (عاملی و محمدخانی، ۱۳۸۷: ۴۲). در این نظام مناسبات مقامات با مردم و مردم میان خود عمدتاً بر مدار قانون است. اما حجم اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، زمین‌خواری (سایت ترازنیوز، ۱۳۹۴)، تصادفات رانندگی (سایت سازمان پزشکی قانونی، ۱۳۹۵/۱/۲۵) و فرار مالیاتی (سایت جام جم آنلاین (۱)، ۱۳۹۴/۸/۶) و نیز افزایش ۲۷ تا ۴۰ درصدی برخی از این جرایم در سال‌های اخیر (سایت ایسنا، ۱۳۹۴)، نشان‌دهنده حجم بالای قانون‌گریزی در کشور ماست. طبق تازه‌ترین ارزیابی «سازمان شفافیت بین‌المللی»<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۵، ایران از حیث سلامت مالی و اداری در کنار اوکراین، کامرون و ... در رده ۱۳۰ جهانی (از ۱۶۷) قرار گرفته است (سایت انتخاب، ۱۳۹۴/۱۱/۸).

### جدول ۱. ارزیابی سلامت مالی و اداری کشورها

130	Cameroon	27
130	Iran	27
130	Nepal	27
130	Nicaragua	27
130	Paraguay	27
130	Ukraine	27
136	Comoros	26
136	Nigeria	26

مأخذ: سایت انتخاب، ۱۳۹۴/۱۱/۸.

شاخص‌های این سازمان عبارت‌اند از: میزان اختلاس، رشوه‌گیری، عدم مقابله کافی یا ناکارایی در پیکار علیه مواد مخدر و ... (سایت دویچه وله، ۱۳۹۴/۱۱/۸). نکته حائز اهمیت آن است که در تیرماه ۱۳۹۲ تعداد پرونده‌های مطروحه علیه دستگاه‌های اداری در دیوان

در انتظار قانون گرایي: تحليل متني نظريه حاکميت قانون در ايران \_\_\_\_\_ ۱۷۷

عدالت اداری، ۱۴ درصد نسبت به پایان سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶) که خود می تواند نشانه‌ای از قانون‌گریزی در دستگاه‌های اجرایی باشد.

## جدول ۲. مقایسه تعداد پرونده‌های مانده شعب دیوان عدالت اداری

در پایان سال ۱۳۹۱ و پایان تیر ۱۳۹۲

مانده	زمان
۵۸۵۶۸	پایان سال ۱۳۹۱
۶۷۰۴۴	پایان تیر ۱۳۹۲
۱۴ درصد	میزان افزایش

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

اهمیت موضوع، آن هنگام بیشتر هویدا می‌شود که تحقیقات ما نشان می‌دهند منبع، ضمانت اجرا و نیز سابقه بیش از یکصد ساله ایران در قانونگذاری تأثیر چندانی بر رواج قانون‌گرایی در میان ایرانیان نداشته است (برای بررسی سیر تاریخی این مسئله رک: مدرسی، ۱۳۷۳: ۱۷۹-۱۷۸). به‌عنوان نمونه با وجود تأکیدات دینی و نیز ضمانت اجراهای قوی، متأسفانه میزان مزاحمت برای زنان و دختران در سال ۱۳۸۹، حدود ۷۲ هزار مورد بوده که براساس آمار نیروی انتظامی در سال ۱۳۹۳ به ۱۴۲ هزار و ۹۳۳ مورد رسید و افزایش ۹۸ درصدی را شاهد بود (سایت فرارو، ۱۳۹۴/۸/۱۷). حال آنکه در این حوزه نظام حقوقی با کمبود قانون، فقدان سازوکارهای ابزاری و یا کمبود بودجه رو به رو نیست (محمدی، ۱۳۹۴؛ سایت فارس‌نیوز؛ ۱۳۹۴/۸/۱۷ و ارحامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵-۱).

همین وضعیت در حوزه مواد مخدر، به‌رغم ضمانت‌های بسیار سنگین (مرکز آمار و فناوری اطلاعات، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴: ۵۵)؛ بورس، با وجود ترجمه و تصویب به‌روزترین قوانین و مقررات (اثنی‌عشری و احمد خان‌بیگی، ۱۳۸۷: ۳۲-۱۲؛ باقرآبادی، ۱۳۹۴ و سایت جام‌جم آنلاین (۲)، ۱۳۹۴/۹/۲۳)، و راهنمایی و رانندگی، به‌رغم خرید و نصب مدرن‌ترین تجهیزات کنترل‌کننده (سایت نیوز، ۱۳۹۴/۹/۲۵) نیز حاکم است. بنابراین از نگاه پژوهشگران، قانون‌گریزی در ایران نه یک توهم، که مسئله‌ای اجتماعی است (رضایی و عباداللهی، ۱۳۸۵: ۷۴-۶۹).

آمار و مطالب پیش گفته حکایت از یک مسئله مهم در نظام حقوقی و اجتماعی ما دارد که در قالب این پرسش متجلی می‌شود: «چرا ایرانیان تا بدین حد در مقابل قانون‌گرایی مقاومت می‌کنند؟» می‌توان به این پرسش پاسخی مطابق الگوی حقوقی مسلط در دانشکده‌های حقوق (از نظر برخی این الگو همان پوزیتیویسم حقوقی است) داد که در راستای پایبندی کامل به مطالعات درون‌رشته‌ای، مقوله قانون‌گرایی را در قالب مفاهیم انتزاعی و فارغ از بسترهای فرهنگی آن بررسی می‌کند.<sup>۱</sup> اما ناکارآمدی این نگاه که آمار پیش گفته شاهد آن است، ما را از تداوم چنین روندی بر حذر می‌دارد؛ زیرا نشان داده شکل‌دهی نظام حقوقی بی‌توجه به حوزه‌های تحقیقی مجاور تا چه حد غیرواقعی و زیان‌بار خواهد بود. این نتیجه در عین یأس‌آور بودن برای باورمندان به نگاه حقوقی محض، افق‌های جدیدی پیش روی آن گروه از دانشجویان و محققان دانشکده‌های حقوق می‌گشاید که پا را فراتر از مطالعات درون‌رشته‌ای نهاده، قانون‌گرایی را «بر بستر فرهنگ» مطالعه می‌نمایند. افقی که می‌توان آن را «جامعه‌شناسی قانون‌گرایی» یا «مطالعات فرهنگی قانون‌گرایی» به منزله یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تحقیقی در حقوق عمومی و جامعه‌شناسی نامید. از این منظر اگر جامعه فاقد بستر فرهنگی مناسب باشد، توفیق نظام حقوقی در تبعیت مردم از قوانین خدشه‌دار می‌شود. لازم به ذکر است در سال‌های اخیر این دست مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی و گرایش‌های حقوقی مانند حقوق بین‌الملل، حقوق ورزشی، حقوق اقتصادی و حقوق کیفری مورد تأکید قرار گرفته است (رک: نادریان و رهبری، ۱۳۹۳؛ شریف‌زاده و نادران، ۱۳۸۹؛ قاسمی و امامی میبیدی، ۱۳۹۴؛ آزادبخت، ۱۳۸۹؛ شاطری پور اصفهانی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱).

در این راستا مفروض ما آن است که در ایران فرهنگ قانون‌گرایی وجود ندارد. در راستای آزمون فرضیه ابتدا باید به دو پرسش پاسخ گفت: شاخص‌های قانون‌گرایی کدامند؟ کدام مؤلفه‌های فرهنگی زمینه‌ساز ظهور و تداوم این شاخص‌ها خواهند شد؟ پاسخ این دو پرسش را از مطالعات کتابخانه‌ای خواهیم خواست و سپس وجود یا غیبت این زمینه‌ها را در مطالعه پیمایشی (دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی) به صورت کمی جستجو و در نهایت با یک تحلیل آماری استنباطی وضعیت جامعه را بررسی می‌کنیم. به عبارتی به

۱. برای پوزیتیویسم حقوقی رک: بیکس، ۱۳۸۹.

کمک یافته‌های حاصل از تحقیقات کتابخانه‌ای (سطح کشف)،<sup>۱</sup> پژوهشی پیمایشی (سطح آزمایش)<sup>۲</sup> انجام می‌دهیم.

این مقاله با پیش چشم نهادن تحولاتی که در طول دو دهه آخر قرن بیستم با عناوین «مطالعات حقوقی انتقادی»<sup>۳</sup> و به‌ویژه گرایش «هنجارگرایی»<sup>۴</sup> (در مقابل پوزیتیویسم حقوقی) از دانشکده‌های حقوق غرب شروع شد (رک: علیزاده، ۱۳۸۷: ۱۹۰ و ۲۲۱-۲۲۰)، تلاش می‌کند گامی جلوتر نهد. با این توضیح که برخلاف مطالعات حقوقی انتقادی، تحلیل‌های خود را بر داده‌های میدانی بنا می‌نهد. چراکه جامعه‌شناسی قانون‌گرایی را بدون مطالعات تجربی کارآمد نمی‌دانیم؛ زیرا تنها در این حالت با «حقوق زنده» مواجه خواهیم شد. ما چنین تحلیلی را که با توجه به زمینه یا بافت جامعه<sup>۵</sup> صورت می‌گیرد، «تحلیل متنی» می‌نامیم.

اهمیت و ضرورت این مقاله هنگامی بیشتر نمود پیدا می‌کند که بدانیم به‌رغم صرف هزینه‌های گزاف برای اقتباس قوانین مدرن، اعمال مجازات‌ها و ... همچنان رویکرد در جامعه حقوقی ایران دوری از نگاه میان‌رشته‌ای است. از پیامدهای مهم تداوم چنین نگاهی عدم کمک به ظهور مناسبات قانون‌گرایانه میان مردم به دلیل ناآگاهی یا بی‌توجهی به بستر فرهنگی تبعیت از قانون در جامعه است. لذا از آنجا که حقوق نوانداز به تنهایی از عهده تبیین، تحلیل و تجویز در مقوله قانون‌گرایی برآید، هدف مقاله حاضر آن است که نشان دهد چگونه می‌توان با تحول رویکرد و از چشم‌انداز حقوق - جامعه‌شناسی فرهنگ به ماهیت میان‌رشته‌ای قانون‌گرایی پی برد و با استفاده از داده‌های مطالعات پیمایشی، حقوق را در متن جامعه مطالعه کرد.

## ۱. ایده در ساحت عمل

در این قسمت ابتدا دیدگاه نظری خود را در مورد قانون‌گرایی بیان می‌کنیم و سپس شاخص‌های یک جامعه قانون‌گرا را خواهیم جست.

---

1. Context of Discovery  
2. Context of Justification  
3. Critical Legal Studies  
4. Normativism  
5. Contextual

## ۱-۱. فضای مفهومی قانون‌گرایی

«قانون‌گرایی» ریشه در نظریه حاکمیت قانون دارد که در چارچوب علم حقوق از نگاه شکلی اشاره به مواردی همچون قطعیت و پیش‌بینی‌پذیر بودن قوانین داشته و از نگاه ماهوی ویژگی‌هایی مانند برابری در قانون را شامل می‌شود (رک: مرکز مالگیری، ۱۳۹۴: ۷۸-۶۰). از نظر ما قانون‌گرایی به‌رغم اهمیت این نکات، در یک نگاه وجودشناختی به چیزی بیش از برشمردن یک سری خصایص برای نظام حقوقی اشاره می‌کند و آن اجرایی شدن قانون است. لذا به لحاظ مفهومی «اگر قانون عبارت از قاعده کلی الزام‌آور متکی بر اقتدار سیاسی فرض شود، رعایت آن را قانون‌گرایی گویند» و به صورت عینی «تبعیت آگاهانه، داوطلبانه و پایدار اکثریت قریب‌به‌اتفاق مردمان از قوانین را قانون‌گرایی نامند»؛ تبعیت آگاهانه از قوانین امری شناختی با این معناست که مردمان از قوانین مطلع بوده و بدان عمل کنند و اگر بدانند دستوری قانونی است، از آن تبعیت نمایند. تبعیت داوطلبانه اما به این نکته اشاره دارد که پیروی از قوانین باید برخاسته از تمایل درونی افراد بوده و صرف وجود ضمانت اجرا نمی‌تواند ضامن ایجاد یک جامعه قانون‌گرا باشد. تبعیت پایدار نیز بدان اشاره دارد که به لحاظ رفتاری مردمان دغدغه رعایت قانون را در «هر مکان و زمانی» داشته باشند.

نکته حائز اهمیت برخاسته از این نگاه است که این پدیدار خلاف باور اکثر مؤلفان (محسنی، ۱۳۹۱: ۸۵؛ Massoud, 2013: 47; Licht, 2008: 28-29) ملازمه‌ای با تحولاتی نظیر مردم‌سالاری ندارد. به عبارتی ممکن است جامعه‌ای قانون‌گرا، اما در عین حال حکومت آن دیکتاتوری باشد. «جاناتان جکسن»<sup>۱</sup> و همکارانش نیز گرچه دغدغه‌هایی را در خصوص برکنار ماندن لحاظ معیارهای ماهوی در مشروعیت حکومت مطرح می‌سازند، اما تأکید می‌کنند قانون‌گرایی در نهایت بر مبنای مشروعیت شکل گرفته در ذهن و باور مردم تعیین می‌شود؛ که لزوماً ارتباطی با مردم‌سالاری ندارد (Jackson and et al., 2010: 10-12). بنابراین قانون‌گرایی از یک منظر، پیروی از قانون است؛ و مردم سالار یا حقوق بشری نبودن چیزی از قانون بودن یک قانون نمی‌کاهد.

اما جمله اخیر نباید رهن فکر شده، قانون‌گرایی را در ذهن ما به «حکومت به وسیله

قانون» تقلیل دهد. این عبارت که از دید برخی مؤلفان توصیفی برای سیاست‌های بعضی حکومت‌های تمامیت‌خواه است (Moustafa and Ginsburg, 2008: 4)، ناتوان از پوشش تمام فضای مفهومی قانون‌گرایی است؛ زیرا تنها ناظر بر رفتارهای شهروندان بوده و مقامات را شامل نمی‌شود. در حالی که طبق تعریف ما، قانون‌گرایی دارای دو سطح (مقامات و شهروندان) است. برخی محققان نشان داده‌اند تجربه کشورهایمانند مکزیک ثابت می‌کند نظم سیاسی استبدادی<sup>۱</sup> به راحتی می‌تواند از طریق روش حکومت به وسیله قانون برقرار شود. در مکزیک حکومت با تأسیس یک دادگاه فدرال امکان شکایت شهروندان علیه مقامات دون پایه دولتی که به حقوق مندرج در قانون اساسی تجاوز کرده‌اند، را فراهم نموده است. اما سازوکار قضایی در این کشور به گونه‌ای طراحی شده که نتوان مقامات عالی‌رتبه را به پای میز محاکمه کشاند (Magaloni, 2008: 205-206)؛ این همان نظامی است که با ابزار قانون، به صاحب‌منصبان امکان رفتار دلخواهی می‌دهد. لذا در عین آنکه بر ملازمه نداشتن قانون‌گرایی و دمکراسی تأکید می‌کنیم، باید با «مارک مسعود»<sup>۲</sup> هم‌نظر شد که حکومت قانون صرفاً یک امر زینتی نیست (Massoud, 2013: 82) و اعمال حکومت نیز باید به موجب قانون باشد (رک: سبحانی، ۱۳۹۵)؛ گرچه نمی‌توان انتظار داشت همیشه تمام امورات در جامعه سیاسی از رهگذر قانون تمشیت شود.<sup>۳</sup>

## ۱-۲. شاخص‌های قانون‌گرایی

قانون‌گرایی از چشم‌انداز جامعه‌شناسی حقوق واجد شاخص‌هایی است که ضمن ملموس کردن وجوه میان‌رشته‌ای این پدیده، راهنمای ما در توصیف و تحلیل زمینه فرهنگی آن نیز خواهد بود.

قانون‌گرایی در سطح مقامات واجد سه شاخص اصلی است. مهم‌ترین شاخص «نفی

---

1. Autocratic Political Order

2. Mark Massoud

۳. مفهوم «ضرورت» (Necessita) در اندیشه‌های ماکیاولی می‌تواند اشاره‌ای به این نکته ظریف باشد (رک:

رفتار دلبخواهی» یا همان اعمال ضابطه‌مند قدرت است. «مارتین کریگر»<sup>۱</sup> معتقد است غایت اندیشه حکومت قانون، کاهش رفتار دلبخواهانه حکومت است (Krygier, 2010: 17, 36-37؛ رک: عباداللهی، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۴۷؛ جوادی‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶؛ Licht, 2008: 2؛ Hartmann and Klonowiecka-Milart, 2011: 271؛ The United Nations Rule of Law Indicators, 2011: 42-65؛ آجودانی، ۱۳۸۲: ۱۲۲-۱۲۰). این شاخص بر ترجیح حکم قانون بر نظر شخصی یا هر حکم و قاعده دیگری تأکید دارد. البته می‌توان تصور کرد در جامعه‌ای برداشت مسلط در میان مردم از «قانون» آن باشد که این پدیدار تنها فرمانی از سوی مقامات برای تنظیم روابط شهروندان و نه چارچوب‌بندی قدرت است. اما حتی در چنین حالتی، سخن از قانون‌گرایی بیهوده خواهد بود؛ زیرا همان‌طور که گفته شد قانون‌گرایی واجد دو سطح است و محدود کردن رفتار دلبخواهی به یکی از آن دو صحیح نخواهد بود. فهم این شاخص آثار بسیار مهمی بر انتخاب نوع رویکرد ما به قانون‌گرایی خواهد داشت که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

دومین شاخص، «پویایی دولت‌ها در قبال حکومت قانون» است که هایک از آن با عنوان پایبندی «قانونگذار نهایی»<sup>۲</sup> به قانون تعبیر می‌کند (Hayek, 1960: 181). این شاخص که فاروق قانون‌گرایی از حکومت به وسیله قانون است (Godson, 2004: 4)، از جمله دربرگیرنده مفهوم مهم «پیش‌بینی‌پذیری رفتار دولت» نیز می‌باشد (Weingast, 1997: 260-262; 2010: 11-12). در تعبیری دیگر می‌توان گفت عملی شدن ایده حکومت قانون نیازمند «خود-اجرا»<sup>۳</sup> شدن یا تبعیت داوطلبانه و پایدار از قانون در سطح لایه سیاسی جامعه است.

شاخص سوم «اعمال یکسان قانون بر شهروندان» است. هایک در نگاهی آرمانی، قانون را «یک بار و برای همه»<sup>۴</sup> دانسته بود (Hayek, 1960: 131). برابری در مقابل قانون در این حالت اشاره به دخالت ندادن پیوندهای قومی و قبیله‌ای و ... در برخورداری از حقوق مندرج در قانون دارد (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۳: ۲۰۲-۲۰۱؛ Jackson and et al., 2012: 2- 5, 7؛ The United Nations Rule of Law Indicators, 2011: 41-65).

1. Martin Krygier

2. Ultimate Legislator

3. Self-Enforcement

4. Once-and-for-All



Weingast, 2010: 6). این شاخص به نوعی نافی اصل موجز و مشهور «امپراتور آزاد شده از قوانین بود» است (کلی، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

علاوه بر شاخص مشترک نفی رفتار دلبخواهانه، قانون‌گرایی در سطح شهروندان واجد شاخص‌های دیگری نیز است. نخست «پایداری در رفتارهای مطابق با قانون» می‌باشد که اشاره به میزان پیروی از قانون در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف دارد (Gross Cunha and et al., 2013: 3-4). شاخص بعدی «ترس داشتن از مجازات» است (Tyler, 2006: 20-21). همچنین می‌توان به «اخلاقی دانستن تبعیت از قانون» اشاره کرد که بر مبنای آن، شهروند تبعیت از قانون را «کاری درست» می‌داند (Gross Cunha and et al., 2013: 4).

«وجود کنترل اجتماعی»، به معنای طرد قانون‌شکنان، در یک جامعه نیز نشان‌دهنده قانون‌گرا بودن شهروندان کشور است (Tyler, 2006: 21). «الزامی دانستن تبعیت از دستورات مقامات قانونی» که برابند مشروعیت مقامات قانونی است، نیز در آثار «نو وبری»ها به عنوان مهم‌ترین شاخص یک شهروند قانون‌گرا به شمار آمده است (Levi and et al., 2008: 1, 3, 5, 7).

همچنین شهروند قانون‌گرا «گرایش مثبت به قانون» دارد. گرایش به‌طور کلی و گرایش مثبت به قانون افکار و شخصیت افراد را متأثر ساخته و نمود عینی خود را در رفتارهای آنها پیدا می‌کند (رک: محسنی، ۱۳۹۱: ۸۶-۸۵؛ واقفی و حقیقتیان، ۱۳۹۴: ۳۷۴؛ Licht, 2008: 1-3). شاخص «کم بودن میزان ارتکاب جرم» نیز معرف جامعه‌ای قانون‌گراست (The United Nations Rule of Law Indicators, 2011: 41-65). «بالا بودن انسجام اجتماعی» از حیث «رعایت حقوق قانونی دیگران» و «هماهنگ شدن رفتار مردم بر مبنای قانون» هم در برخی آثار به‌عنوان معرف یک جامعه قانون‌گرا عنوان شده است (رک: محسنی، ۱۳۹۱: ۸۶-۸۵؛ McAdams, 2000: 1650-1654).

«تثبیت نظام حقوقی» از دیگر شاخص‌های مهم جامعه قانون‌گراست (محسنی، ۱۳۹۱: ۸۶-۸۵)؛ این شاخص در واقع اشاره به هنجار شدن حکومت قانون و نهادینه شدن استفاده از راهکارهای قانونی برای حل اختلافات دارد (Weingast, 2010: 2, 6; Merton, 1971: 57-56; Krygier, 2007: 19, 37). و نیز: علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۹: ۷، ۳۲، ۳۳.

۳۴-۳۵ و ۳۸)؛ و در نهایت «انضباط اجتماعی» از شاخص‌های تشخیص شهروند قانون‌گرا به شمار می‌آید. این شاخص به «منضبط بار آمدن» شهروندان از طریق سازوکارهای «مراقبت و تنبیه» اشاره دارد (رضایی و عباداللهی، ۱۳۸۵: ۶۸، ۷۷ و ۸۸-۸۷).

مهم‌ترین بصیرتی که از شناسایی شاخص‌های فوق به‌ویژه شاخص نفی رفتار دلبخواهی به دست می‌آید، همگرایی قانون‌گرایی با مفاهیم جامعه‌شناختی، ناکافی بودن سیاست‌های حقوقی محض و نیز لزوم مطالعه این پدیدار در بافت و متن جامعه و نه صرفاً مطالعات نظری است.

## ۲. طلوع قانون‌گرایی

رویکردهای معمول در خصوص حکومت قانون، «ابزاری» (For "Instrumental Approach" See: Tyler, 2006: 3, 270) یا «اقتباسی» هستند. در رویکرد ابزاری فرض این است که با افزایش میزان مجازات، شهروندان سود خود را در تبعیت از قانون می‌دانند. از سوی کشورهای در حال توسعه نیز راهکار قانون‌مند شدن را در ترجمه و اقتباس نظام حقوقی مدرن یافته‌اند. داده‌های تجربی اما نشان می‌دهند هر دوی آنان فاقد کارآمدی لازم می‌باشند. شکست سیاست ابزاری آمریکا در کنترل جرایمی مانند مصرف مواد مخدر و کپی غیرمجاز "CD"، مثالی برای ناتوانی رویکرد ابزاری (See Tyler and Darley, 2000: 711-712) و عدم قانون‌گرایی در جوامعی مانند آلبانی، پاکستان، افغانستان و ایران، شاهدهی بر عدم موفقیت رویکرد اقتباسی است (See Mehmetaj, 2014: 488; Jackson and et al., 2014: 3, 12; Hartmann and Klonowiecka-Milart, 2011: 266 صانعی، ۱۳۸۱: ۴۱۶). بر این اساس ما قانون‌گرایی را پدیدار پیچیده<sup>۱</sup> متغیر و متنی می‌دانیم؛ متغیر از این حیث که نمی‌توان دستورالعمل یکسانی برای قانون‌گرا شدن تمام جوامع صادر کرد و متنی از این جهت که با عنایت به بافت جوامع ظهور می‌کند یا شکست می‌خورد؛ نه اینکه به صرف ترجمه و اقتباس نظام حقوقی، ایجاد شود.

۱. در این مقاله متغیر و متنی بودن قانون‌گرایی بررسی می‌شود و پیچیدگی آن را که پیامدهای مهم ماهوی و روشی دارد، در مجالی دیگر به بحث گذاشته‌ایم.

## ۲-۱. فرهنگ قانون گرایی

«برایان زد. تاماناها»<sup>۱</sup> قانون را نماینده «دلیل و منطق» و انسان را نماد «شور و احساس» توصیف کرده معتقد است عمل قانونی نمی تواند خارج از مشارکت انسان فرض شود و از این رو با «تامس هابز»<sup>۲</sup> همزبان می شود که حکومت قانون یک «آرمان خیالی»<sup>۳</sup> و یا «کمال مطلوب» است (Tamanaha, 2004: 123).

از نگاه این مقاله اما حکومت قانون به شرط فهم تمام وجوه آن تا حد زیادی قابلیت تحقق غایت خود را دارد. این ایده واجد سه جنبه بنیادین است که در حقیقت درهم تنیدگی حقوق و جامعه شناسی را می رساند. نخست ویژگی های پذیرفته شده در تمامی تحقیقات انجام شده است؛ مانند قطعیت یا پیش بینی پذیری قانون، عدم انجام اقدامات غیرقانونی از سوی دولت علیه مردم، شفافیت قوانین و نیز برابری همه مردم در مقابل قانون. دوم ویژگی ای که برخی اندیشمندان با تأکید بر لزوم پویایی حکومت قانون، دولت را، متعهد به پابندی همیشه به قوانین دانسته اند. اما از نظر این مقاله جنبه سوم، شناسایی «جزء اجتماعی» حکومت قانون است که به بررسی این مقوله با نگاهی فراگیر (دولت و شهروندان) می پردازد تا مانند اکثر مؤلفان این ایده را صرفاً به سطح مقامات سیاسی یا شهروندان محدود نکرده باشیم.

ویژگی دوم به این مطلب اشاره دارد که در مورد مقامات، استقرار حکومت قانون مستلزم وجود عنصری پویا برای تضمین مسئله قطعیت قوانین است؛ زیرا جنبه شایان تأمل آن است که این اصل قابلیت سوء استفاده توسط برخی جناح های سیاسی را نیز دارد (لاکلین، ۱۳۸۸: ۱۳۶). لذا هر دولتی می تواند با ارائه تفسیر خود از قانون، قوانین قبلی را به راحتی ملغی کند. اما این پویایی چگونه ایجاد می شود؟ از نظر «باری و اینگست»<sup>۴</sup> وجود نوعی «تعهدات معتبر» پاسخی به این معضل است؛ به این معنا که هر کس توانایی به کارگیری خشونت و سرنگونی نظام را دارد، باید از «انگیزه» لازم برای خودداری از این کار برخوردار باشد (Weingast, 1997: 11-12).

اما تحلیل و اینگست، به مانند مارتین کریگر، بیشتر در سطح مقامات سیر می کند و

---

1. Brian Z. Tamanaha  
2. Thomas Hobbes  
3. Delusive Ideal  
4. Barry Weingast

نشان می‌دهد وی از سایر سطوح حکومت قانون غفلت کرده است. حال آنکه اطاعت داوطلبانه و پایدار شهروندان نیز به همان اندازه مهم است؛ زیرا جامعه تنها منحصر به مقامات نیست و حکومت قانون زمانی عملی می‌شود که خط سیر عمودی (مقامات و مردم) و افقی (مردم و مردم) روابط اجتماعی، هر دو، در تحلیل و قانونگذاری لحاظ شود.

از این رو ما قانون‌گرایی را در سطح «اجتماعی» یا «فراگیر» می‌بینیم. لذا برای ظهور و تداوم آن حقوق‌دانان نیاز به آگاهی از ماهیت روابط حقوقی موجود در جامعه خود دارند؛ زیرا «نظام حقوقی ... به تدریج و در طول زمان مجموعه‌ای از مفاهیم، قواعد، اصول، رویه‌ها و نهادهای مختلف را درون خود جای داده است. آن عناصر اما به نوبه خود بر پایه‌های تئوریک قرار دارند. به این معنا که صرف‌نظر از بحث از علت (یا علل) پیدایش آنها، هر یک از مفاهیم، قواعد، اصول، رویه‌ها و نهادهای حقوقی به نحوی از انحا از فرهنگ و باورهای جامعه‌ای که بر آن حاکم است، ریشه می‌گیرد و تلاش می‌شود تا بر آن پایه موجه گردد» (کلی، ۱۳۸۸: ۱۱).

از نظر ما همگرایی فرهنگی و قانون‌گرایی به‌طور خاص از فهم شاخص نفی رفتار دلبخواهی (البته در هر دو سطح آن) فهمیده می‌شود. رفتار دلبخواهی در لایه سیاسی اشاره به اعمال غیرقانونی قدرت و در سطح مردم اشاره به هرج و مرج دارد. از این منظر قانون‌گرایی صفتی برای رفتار انسان می‌شود. بصیرت حاصل از این نگاه رفع یکی از مهم‌ترین اشتباهات رایج در نظام آموزشی دانشکده‌های حقوق است؛ و آن اینکه اساساً قرار دادن ایده حکومت قانون در مقابل اصطلاح حکومت انسان صحیح نیست. نتیجه این نگاه رایج آن شده است که تحلیل حکومت قانون به برشمردن یک سری ویژگی برای نظام حقوقی (رویکرد تشریحی) تقلیل یافته است. اما باید پرسید قانون کجاست که حکومت کند؟ قانون در هر حال می‌تواند از طریق تفاسیر دلبخواهی توسط صاحب‌منصبان یا بی‌اعتنایی توسط شهروندان بی‌اعتبار شود. پس همه‌جا حکومت انسان هست. تنها تفاوت آن است که در جوامع قانون‌گرا، انسان قایل به ضوابط و در جوامع قانون‌گریز، انسان بی‌ضابطه است.

با این بصیرت باید مفهوم «هنجار اجتماعی» را نقطه اتصال قانون‌گرایی و فرهنگ دانست (Hyden, 2011: 133). زیرا هنجارها رفتار پسندیده را معرفی می‌کنند و تا حد زیادی ریشه در فرهنگ دارند (See Licht and et al., 2007: 7)؛ چرا که عمدتاً این

فرهنگ (باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های هر جامعه) است که می‌گوید چه چیز از مطلوبیت برخوردار و شایسته است (Ibid: 16). در همین راستا برخی تأکید می‌کنند که اگر در جامعه‌ای مردم از قانون هیچ ندانند، یا چیزی را به اشتباه قانون بیندارند، یا بدانند امری قانون است اما آن را جدی نگیرند یا حتی قانون را جدی بگیرند اما ندانند در قبال آن باید چه کنند، نشان می‌دهد حکومت قانون در آن جامعه «هنجار» نیست. از این رو قانون باید توسط مردم به «حساب»<sup>۱</sup> بیاید؛ یعنی الزامی دانسته شود. به عبارتی دیگر هنجارهای قانونی، هنجار اجتماعی شوند (Krygier, 2007: 19). نقش خاص فرهنگ در میان دیگر اقتضائات قانون‌گرایی نیز برخاسته از همین نکات است.

اکنون روشن شد که ظهور و تداوم قانون‌گرایی به‌خودی‌خود از دل نظام حقوقی بر نمی‌خیزد؛ زیرا نظام حقوقی یک سازوکار تنظیمی است که مطلوبیت آن نیازمند وجود رفتار قانون‌گراست. ایجاد رفتار قانون‌گرا در نگاه متنی مستلزم ظهور «فرهنگ قانون‌گرایی» به منزله امر فراحقوقی پشتیبان قانون‌گرایی است (در خصوص وجوه دیگر هم‌گرایی فرهنگ و حقوق رک: عاملی و محمدخانی، ۱۳۸۷: ۶۴).

## ۲-۲. مؤلفه‌های فرهنگ قانون‌گرایی

مطالعات نشان می‌دهند قانون‌گرایی بر زمینه خاصی می‌بالد که بر ایند آن یک اقلیم با فرهنگ حقوقی خاص است. عدم موفقیت بیش از یک‌صد ساله سیاست‌های اقتباسی و ابزاری در ایران، ما را بدان رهنمون شد که علت را در نبود این زمینه بجوئیم. البته برخی محققان به‌طور کلی به نبود «فرهنگ قانون‌گرایی در ایران» اشاره کرده‌اند (See Banakar and Nasrolahi Fard, 2012: 21-22; Katouzian, 2009: 16-17) در این مقاله اما به‌طور مشخص وجود یا عدم وجود سه مؤلفه «باور به مشروعیت نظام حقوقی»،<sup>۲</sup> «باور به برابری مقابل قانون» و «گرایش مثبت به قانون»، که براساس یافته‌های نظری ما حایز بیشترین اهمیت می‌باشند، را مورد بررسی تجربی قرار خواهیم داد.

«تام تایلر»<sup>۱</sup> مشروعیت را «حق بر قاعده‌گذاری و شناسایی شدن به وسیله قواعد آن حق» می‌داند. تغییر در میزان مشروعیت، می‌تواند به کاهش سطح قانون‌گرایی منجر شود و چگونگی واکنش مردم به تجربه‌هایی که از مواجهه با مقامات قانونی (دادگاه، پلیس و ...) دارند، در میزان متابعت از قانون تأثیر دارد. به این شکل که نوعی قضاوت درخصوص مقامات برای شهروندان ایجاد می‌شود (Tyler, 2006: 269, 4). اهمیت مشروعیت از آنجا ناشی می‌شود که اجبار محیطی نشت گرفته از تشویق و مجازات برای قانون‌گرا کردن کافی نبوده و لذا اجبار ارزشی که ریشه در گرایش‌ها و ارزش‌ها دارد نیز لازم دانسته شود. به‌عنوان مثال تبعیت مردم آمریکا در سال ۱۹۷۳ از قانون سقط جنین صرفاً به دلیل باور به مشروعیت دیوان عالی بود (726 - 722, Tyler and Darley, 2000: 707 - 717). پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهند مشروعیت دارای ابعاد «کارآمدی اقدامات مقامات»، «تبعیت از قوانین و دستورات قانونی» و در نهایت «همنوايي در ارزش‌های اخلاقی میان مردم و مسئولان» است (Jackson and et al., 2012: 1, 4 - 6, 8; Jackson and et al., 2014: 1 - 2)؛ بُعد اخیر اشاره به تعبیر «ماکس وبر»<sup>۲</sup> دارد که مشروعیت را حاصل نوعی اجماع پیرامون نظم حقوقی موجود می‌دانست (وبر، ۱۳۷۴: ۳۶). نقش ویژه وجود مشروعیت برای قانون‌گرایی آن است که شهروندان بی‌توجه به ماهیت قوانین از آن تبعیت می‌کنند. البته این مؤلفه ناتوان از تبیین قانون‌گرایی در سطح مقامات است.

گفته شد برخورد یکسان و برابر با شهروندان در مقابل قانون، از شاخص‌های ایده حکومت قانون است (Krygier, 2007: 1-4, 14-15, 19; Weingast, 2010: 1, 4, 6). لذا آنچه یکی از مؤلفه‌های فرهنگی قانون‌گرایی شمرده می‌شود «باور به برابری در مقابل قانون» در جامعه است. از نظر برخی محققان نیز در یک زمینه نابرابر، قانون نمی‌تواند برابری را اعمال شود و در نهایت به نفع گروه‌های قدرتمند تمام خواهد شد (See Krygier, 2016: 18). از تحقیقات می‌توان این‌گونه برداشت کرد که باور به برابری در برابر قانون در تضاد با فرهنگ‌های سلسله‌مراتبی و درهم‌بافته قرار دارد که هسته آن اولویت دادن به احکام و دستورات قوم و قبیله است (See Licht and et al., 2007: 5-6, 10). به عبارتی قانون‌گرایی

1. Tom. R. Tyler

2. Max Weber

بر بستری طلوع می کند که مردم در جهای از اعتقاد به برابری مقابل قانون را به دست آورده‌اند تا بتوانند خود را از سیطره نگاه سلسله‌مراتبی و جمع‌گرا برهانند. برای نمونه مطالعات میدانی انجام شده در پاکستان نشان می‌دهد عدم اعتقاد به برابری در مقابل قانون، موجب شده مردم در مواجهه با مقامات تمایل به دادن رشوه و مقامات نیز علاقه به باج‌خواهی داشته باشند؛ زیرا شهروندان می‌دانند در غیر این صورت شاهد رفتاری برابر با افراد رشوه‌دهنده نخواهند بود (See Jackson, 2014: 3). همین نابرابری در کشور هند به‌رغم ملغی شدن تبعیض مبتنی بر «کاست بندی» مطابق قانون اساسی ۱۹۵۰ نیز مشاهده می‌شود (2: Mackie, 2012).

لازم به ذکر است تجربه آتاتورک در ترکیه و موسولینی در ایتالیا نشان می‌دهد (See Katouzian, 2009: 208) آن‌گونه که بسیاری از محققان به اشتباه بیان کرده‌اند (North and et al., 2009: 262-263; Licht and et al., 2007: 5-6) باور به «برابری ذاتی انسان‌ها» لزوماً مؤلفه قانون‌گرایی نیست؛ زیرا این نوع برابری بیشتر با پدیداری حقوق بشر مرتبط است تا قانون‌گرایی. «گرایش مثبت» به قانون نیز زمینه فرهنگی قانون‌گرایی است. مطالعات میدانی در برخی کشورها نشان می‌دهد مردم قانون را در راستای منافع نخبگان دانسته و به همین دلیل گرایش منفی نسبت به آن دارند (4: Jackson and et al., 2014). مطالعات تجربی دیگری نیز نشان می‌دهد گرایش منفی نسبت به قوانین حوزه کپی‌رایت و خانواده تا چه حد می‌تواند مانع از تبعیت مردم از آنان شود (11: Bica-Huiu, 2007؛ لادیه - فولادی، ۲۰۰۳: ۶۳). لازم به ذکر است دو مؤلفه اخیر از این‌رو برای ما حایز اهمیت است که جبران‌کننده ناتوانی مؤلفه مشروعیت از پوشش تمام فضای مفهومی زمینه فرهنگی قانون‌گرایی می‌باشند.

### ۲-۳. فرضیه‌های پژوهش تجربی و تعاریف عملیاتی مؤلفه‌ها

با توجه به مطالب بیان شده، فرضیاتی که با عنایت به آنها به پژوهش تجربی دست خواهیم زد عبارت‌اند از:

- گرایش مثبت به قانون در جامعه آماری وجود ندارد.
- باور به مشروعیت سیستم حقوقی در جامعه آماری وجود ندارد.
- باور به برابری در مقابل قانون در جامعه آماری وجود ندارد.

در راستای تعریف عملیاتی این مؤلفه‌ها می‌گوییم «گرایش<sup>۱</sup> نظری است که در مورد افراد، چیزها یا رویدادها بیان می‌شود که منعکس‌کننده نوع احساس فرد درخصوص یک چیز می‌باشد. هنگامی که من می‌گوییم: «کارم را دوست دارم» گرایش خود را درباره کارم ابراز کرده‌ام» (برکوویتز، ۱۳۸۷: ۲۴۰). در این تحقیق با جمع مؤلفه‌های ذکر شده در منابع مختلف، مؤلفه گرایش مثبت به قانون در قالب پنج بعد تمایلی (علاقه به قانون، ذهنیت قانون‌گرا)، احساسی (احساس شوق از رعایت قانون)، ارزیابی (خوب، مهم و لازم بودن قانون)، شناختی (آگاهی از قوانین، اندیشیدن در مورد قانون) و رفتاری (دغدغه قانون داشتن، تبعیت داوطلبانه و پایدار از قانون) بررسی می‌شود.

همچنین از آنجا که «باورها یا عقیده‌ها،<sup>۲</sup> اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آنها اعتقاد دارد» (پارسا، ۱۳۸۳: ۳۱۲)، باور به مشروعیت سیستم حقوقی نیز عقیده‌ای است حاصل از سه مفهوم: کارآمدی اقدامات مقامات، تبعیت از قوانین و دستورات قانونی و در نهایت همنوایی در ارزش‌های اخلاقی میان مردم و مسئولان. در نهایت، باور به برابری در مقابل قانون نیز به معنای درست دانستن و پذیرفتن این اندیشه از سوی مردم و مقامات است که در اختصاص دادن حق و تکلیف مندرج در قانون، نباید وابستگی‌های قومی، مذهبی، جنسی، زبانی و ... دخیل باشند.

### ۳. تحقیق پیمایشی زمینه فرهنگی قانون‌گرایی

#### ۳-۱. روش‌شناسی پژوهش تجربی

در راستای توصیف کمی وجود یا عدم زمینه فرهنگی قانون‌گرایی در مقیاس خرد، یک مطالعه پیمایشی انجام خواهیم داد. ابزار مطالعه حاضر پرسشنامه محقق ساخته ۲۸ سؤالی با استفاده از طیف لیکرت شش درجه‌ای است. از آنجا که به دلیل محدودیت‌های مالی و زمانی امکان تحقیق تجربی در سطح گسترده وجود نداشت، «کلیه دانشجویان دانشگاه بهشتی» را به عنوان جامعه آماری مطالعه موردی برگزیدیم. البته در انتخاب گویه‌ها سعی شد به دانشجویان بیشتر به‌مثابه شهروند عام نگریسته شود تا صنفی خاص. گرچه با توجه به مفروضات دیدگاه‌های خطی

1. Attitudes

2. Beliefs or Cognitions



مبنی بر تأثیر سطح تحصیلات بر ایجاد بستر فرهنگی قانون گرایبی (به طور مثال رک: محسنی، ۱۳۹۱: ۱۰۳)، نتایج حاصل از حیث تأیید یا ابطال این نظر نیز می تواند بسیار چالشی و جذاب باشد. طبق آمار، دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ دارای ۱۷۵۷۸ دانشجوی بوده است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۷۶ نفر به دست آمد که با احتساب موارد ناقص در حدود ۴۰۰ نفر تخمین زده شده است. برای روایی<sup>۱</sup> پرسشنامه از روش اعتبار محتوایی<sup>۲</sup> (رک: کلاتری، ۱۳۸۷: ۷۷) استفاده شد؛ یعنی از قضاوت متخصصان در مورد اعتبار اجزای تشکیل دهنده سنجش بهره گرفتیم. در این تحقیق نظر<sup>۳</sup> نفر از خبرگان مورد استفاده قرار گرفت که موجب تصحیح و تکمیل و در نهایت تأیید پرسشنامه شد. سنجش پایایی<sup>۳</sup> از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد. برای این امر یک حجم نمونه ۴۰ نفره جهت انجام پیش آزمون انتخاب گردید. در نهایت مقدار پایایی ابزار اندازه گیری براساس آلفای کرونباخ، برای مؤلفه «گرایش مثبت به قانون»: ۷۱، برای مؤلفه «باور به مشروعیت نظام حقوقی»: ۷۴ و برای مؤلفه «باور به برابری در مقابل قانون»: ۷۱ به دست آمد که پایایی بسیار مطلوبی را نشان می دهد. روش نمونه گیری تحقیق از نوع خوشه ای یک مرحله ای بوده و پرسشنامه ها در داخل خوشه ها با استفاده از روش تصادفی ساده توزیع که در نهایت ۳۹۶ پرسشنامه کامل به ما برگردانده شد.

## ۳-۲. یافته ها

تجزیه و تحلیل اطلاعات باید در راستای هدف و فرضیه پژوهش صورت گیرد. هدف اصلی ما از بخش پژوهش تجربی، بررسی وجود یا عدم مؤلفه های مذکور، و فرضیه ما غیبت آنان در جامعه آماری بود. لذا از تحلیل های آماری توصیفی و استنباطی استفاده کرده تا در نهایت در خدمت تحلیل نهایی این مقاله میان رشته ای قرار گیرد.

### ۳-۲-۱. آمار توصیفی

در این بخش از تجزیه و تحلیل آماری توصیفی آنچه برای ما مهم خواهد بود میانگین پاسخ ها و فراوانی وجود یا غیبت مؤلفه هاست. براساس واحد سنجش پرسشنامه، هر مؤلفه

---

1. Validity  
2. Content Validity  
3. Reliability

در طیف لیکرت شش درجه‌ای به پاسخگویان ارائه شد که نتایج توصیفی مرتبط با میانگین پاسخ به سه مؤلفه مورد بررسی در جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول ۳. آمار توصیفی

مؤلفه‌های مورد بررسی	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین	میان‌ه	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
گرایش مثبت به قانون	۳/۸۷۲۰	بین ۳/۸ تا ۳/۹	۳/۸۵۰۰	۰/۷۱۹۱	-۰/۱۲۴	-۰/۱۳۳
باور به مشروعیت سیستم حقوقی	۳/۸۴۵۰	بین ۳/۷ تا ۳/۹	۳/۸۵۷۱	۰/۸۶۲۵	۰/۴۶۷	۱/۸۳۹
باور به برابری در مقابل قانون	۳/۹۶۴۴	بین ۳/۸ تا ۴	۴/۰۰۰۰	۰/۸۵۱۷	۰/۸۳۸	۱/۹۱۵

مأخذ: همان.

نتایج به دست آمده با توجه به نوع چینش درجات طیف و سؤالات نشان می‌دهد میانگین پاسخ‌ها به سمت عدم گرایش مثبت به قانون، عدم باور به مشروعیت سیستم حقوقی و عدم باور به برابری در مقابل قانون است. شایان ذکر است به لحاظ فراوانی بر مبنای واحد فرد، نتایج توصیفی نشان می‌دهد ۲۶/۱ درصد از نمونه آماری گرایش مثبت به قانون داشتند، ۳۴/۵ درصد سیستم حقوقی ایران را مشروع می‌دانستند و ۲۸/۲ درصد نیز به برابری در مقابل قانون باور داشتند.

## ۲-۲-۳. آمار استنباطی

### ۲-۲-۱-۳. آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها

اولین مرحله جهت آغاز فرایند آزمون فرضیه‌ها، بررسی نرمال بودن داده‌هاست. بدین منظور از آزمون «کلموگروف - اسمیرنف» استفاده شد. به این دلیل فرض‌های آماری زیر در نظر گرفته می‌شود:

$H_0$ : توزیع داده‌ها نرمال است.

$H_1$ : توزیع داده‌ها نرمال نیست.

برای انجام این آزمون از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. در خروجی نرم‌افزار علاوه بر آماره آزمون، سطح معناداری نیز ارائه می‌شود. جدول ۴ نتایج آزمون در خصوص مؤلفه‌های مورد پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج آزمون « کلموگروف - اسمیرنف »

مؤلفه	آماره Z	سطح معناداری (Sig)	نتیجه
گرایش مثبت به قانون	۰/۸۷۹	۰/۰۷۵	توزیع نرمال
باور به مشروعیت سیستم حقوقی	۱/۱۲۳	۰/۱۴۳	توزیع نرمال
باور به برابری در مقابل قانون	۰/۶۴۹	۰/۲۷۸	توزیع نرمال

مأخذ: همان.

سطح معناداری (Sig) به دست آمده درخصوص همه مؤلفه‌ها از سطح احتمال خطا در نظر گرفته شده توسط محقق ( $\alpha=0.05$ ) بیشتر بوده لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن داده‌ها درخصوص همه مؤلفه‌ها پذیرفته می‌شود. با اطمینان حاصل نمودن از نرمال بودن توزیع داده‌ها، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای آزمون فرضیه‌ها استفاده کرد.

#### ۲-۲-۳. آزمون فرضیه‌های تحقیق

برای سنجش فرضیه‌ها از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. این آزمون جهت تعیین اینکه آیا میانگین مشاهده شده در نمونه که به صورت تصادفی از جامعه انتخاب شده است، مقدار برابری با میانگین مفروض جامعه دارد یا خیر و نیز وجود یا عدم یک مؤلفه به کار می‌رود. در واقع t به دست آمده همان وضعیت مؤلفه مورد نظر ما از حیث میانگین و وجود یا غیبت در یک حالت معمول و رایج در جامعه است. میانگین نظری ما در این آزمون با توجه به نتایج توصیفی ۳/۵ خواهد بود که هر چه t به دست آمده از آن بیشتر شود به معنای تأیید فرضیات پژوهشی خواهد بود و برعکس.

#### آزمون فرضیه اول تحقیق

فرضیه پژوهشی: گرایش مثبت به قانون در جامعه آماری وجود ندارد.

فرضیه‌های آماری:

$H_0$ : گرایش مثبت به قانون در جامعه آماری وجود دارد.

$H_1$ : گرایش مثبت به قانون در جامعه آماری وجود ندارد.

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3.5 \\ H_1: \mu > 3.5 \end{cases}$$

## جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه اول

آزمون t تک نمونه‌ای					
میانگین نظری = ۳/۵					
t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان در سطح اطمینان ۹۵ درصد	
				حد پایین	حد بالا
۱۰/۲۹۲	۳۹۵	۰/۰۰۰	۰/۳۷۱	۰/۳۰۰۹	۰/۴۴۳۰

مأخذ: همان.

نتایج آزمون نشان می‌دهد مقدار t به دست آمده در سطح معناداری ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت در جامعه ما گرایش مثبت به قانون وجود ندارد. همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود میانگین نمره عدم گرایش مثبت به قانون ۱۰/۲۹۲ است که با اختلاف میانگین ۰/۳۷۱ از میانگین نظری ۳/۵ بالاتر است. لذا فرضیه آماری رد اما فرضیه پژوهشی تأیید می‌شود.

## آزمون فرضیه دوم تحقیق

فرضیه پژوهشی: باور به مشروعیت نظام حقوقی در جامعه آماری وجود ندارد.

فرضیه‌های آماری:

$H_0$ : باور به مشروعیت سیستم حقوقی در جامعه آماری وجود دارد.

$H_1$ : باور به مشروعیت سیستم حقوقی در جامعه آماری وجود ندارد.

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3.5 \\ H_1: \mu > 3.5 \end{cases}$$

## جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه دوم

آزمون t تک نمونه‌ای					
میانگین نظری = ۳/۵					
t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان در سطح اطمینان ۹۵ درصد	
				حد پایین	حد بالا
۷/۹۶۰	۳۹۵	۰/۰۰۰	۰/۳۴۵	۰/۲۵۹۸	۰/۴۳۰۲

مأخذ: همان.

نتایج آزمون نشان می‌دهد مقدار  $t$  به دست آمده در سطح معناداری  $۰/۰۵$  معنادار است. بنابراین با  $۹۹$  درصد اطمینان می‌توان گفت در جامعه ما باور به مشروعیت سیستم حقوقی وجود ندارد. همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود میانگین نمره عدم باور به مشروعیت سیستم حقوقی  $۷/۹۶۰$  است که با اختلاف میانگین  $۰/۳۴۵$  از میانگین نظری  $۳/۵$  بالاتر است. از این رو فرضیه آماری رد اما فرضیه پژوهشی تأیید می‌شود.

### آزمون فرضیه سوم تحقیق

فرضیه پژوهشی: باور برابری در مقابل قانون در جامعه آماری وجود ندارد.  
فرضیه‌های آماری:

$H_0$ : باور به برابری در مقابل قانون از دید جامعه آماری وجود دارد.

$H_1$ : باور به برابری در مقابل قانون از دید جامعه آماری وجود ندارد.

$$\{H_0: \mu \leq 3.5$$

$$\{H_1: \mu > 3.5$$

### جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه سوم

آزمون $t$ تک نمونه‌ای					
میانگین نظری = $۳/۵$					
$t$	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان در سطح اطمینان ۹۵ درصد	
				حد بالا	حد پایین
$۱۰/۸۵۰$	$۳۹۵$	$۰/۰۰۰$	$۰/۴۶۴$	$۰/۳۸۰۲$	$۰/۵۴۸۵$

مأخذ: همان.

نتایج آزمون نشان می‌دهد مقدار  $t$  به دست آمده در سطح معناداری  $۰/۰۵$  معنادار است. بنابراین با  $۹۹$  درصد اطمینان می‌توان بیان کرد که در جامعه ما باور به برابری در مقابل قانون وجود ندارد. همان گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود میانگین نمره عدم باور به برابری در مقابل قانون  $۱۰/۸۵۰$  که با اختلاف میانگین  $۰/۴۶۴$  از میانگین نظری  $۳/۵$  بالاتر است. لذا فرضیه آماری رد اما فرضیه پژوهشی تأیید می‌شود.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنابر مباحث نظری انجام شده قانون‌گرایی چه در سطح تحلیل و چه تجویز نیازمند فهم ماهیت متغیر و متنی این پدیده است و بنابر وجوه مختلف مورد بحث، دانش حقوق به تنهایی از عهده تبیین آن بر نمی‌آید. لذا مطالعات میان‌رشته‌ای با تأکید بر جامعه‌شناسی حقوق و پژوهش میدانی، لازمه تحصیل یک نگاه جامع به قانون‌گرایی است تا در نهایت به تحلیل و تجویزی مناسب دست یابیم.

در ایران اما همچنان از این رویکرد به‌ویژه در جامعه حقوقی پرهیز می‌شود. در حالی که به‌رغم گذشت سالیان دراز از تأسیس نظام حقوقی مدرن، وضع ضمانت اجراهای قوی و ... متأسفانه تغییر محسوسی رخ نداده و همچنان کشور ما در انتظار قانون‌گرایی است. این مسئله ما را بدان رهنمون می‌سازد که ریشه چنین وضعیتی را باید در بستر فرهنگی موجود در ایران جست؛ زیرا طبق تحلیل نظری ما، با درک فضای مفهومی و نیز شاخص اصلی قانون‌گرایی یعنی نفی رفتار دلبخواهی در سطح مقامات و شهروندان، این پدیده چه از این حیث که توصیفی برای رفتار انسان است و چه از این جهت که در فرهنگ‌های خاصی ظهور می‌یابد، همگرا با فرهنگ است.

گرچه در برخی تحقیقات به‌طور کلی به نبود فرهنگ قانون‌گرایی در ایران اشاره شده اما در این پژوهش به‌طور مشخص سه مؤلفه گرایش مثبت به قانون، باور به مشروعیت سیستم حقوقی و باور به برابری در مقابل قانون به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ قانون‌گرایی، در یک مطالعه موردی (دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی) به پژوهش تجربی گذاشته شدند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده حدود ۷۴ درصد از نمونه آماری گرایش منفی به قانون داشتند، بیش از ۶۵ درصد سیستم حقوقی ایران را مشروع نمی‌دانستند و حدود ۷۲ درصد باوری به برابری در مقابل قانون نداشتند. میانگین گرایش منفی به قانون ۳/۸۷۲۰، عدم اعتقاد به مشروعیت نظام حقوقی ۳/۸۴۵۰ و عدم باور به برابری در مقابل قانون ۳/۹۶۴۴ بود. این نتایج به‌رغم تکان‌دهنده بودن ابطال‌کننده آن دست‌نظریاتی است که افزایش تحصیلات را موجب ظهور زمینه فرهنگی قانون‌گرایی می‌دانند.

برای به دست آوردن برداشتی کمی از وضعیت جامعه نیز پس از تأیید نرمال بودن داده‌ها در آزمون «کلموگروف - اسمیرنف»، از آزمون پارامتریک t تک نمونه‌ای استفاده شد که ضمن تأیید هر سه فرضیه پژوهش تجربی نشان داده شد میانگین گرایش منفی به قانون در حالت رایج در جامعه ۱۰/۲۹۲، عدم باور به مشروعیت سیستم حقوقی ۷/۹۶۰ و عدم اعتقاد به برابری در مقابل قانون ۱۰/۸۵۰ است (طبق t با معناداری ۵ درصد و نیز ۹۹ درصد اطمینان). تحلیل‌های آماری توصیفی و استنباطی فوق حکایت از استعداد بسیار پایین فرهنگ ایران، حتی در محیط‌های دانشگاهی، برای طلوع و تداوم قانون‌گرایی دارد.

با توجه به این یافته که مهم‌ترین اقتضای قانون‌گرایی فرهنگ است، در سطح تجویزی پیشنهاد می‌شود قوانین تا حد امکان با توجه به بافت فرهنگی جامعه تصویب شوند تا با افزایش هم‌نوایی قانون و ارزش‌های جامعه سطح تبعیت از قوانین افزایش یابد؛ این امر نیازمند هر چه بیشتر گره خوردن فرایند قانونگذاری در ایران با نتایج حاصل از سنجش میزان کارآمدی قوانین اجرایی شده است.

در سطح آموزشی - پژوهشی پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه دانشکده‌های حقوق اصلی‌ترین مکان آموزش و پرورش متخصصان نظام حقوقی است واحدهای درسی به نحوی در نظر گرفته شوند که دانشجوی حقوق صلاحیت انجام تحقیقات میدانی را یافته حایز نگاهی میان‌رشته‌ای به پدیده‌های حقوقی شود. لذا ایجاد لابراتوارهای جامعه‌شناسی حقوق و یا انسان‌شناسی حقوقی در این خصوص مفید ارزیابی می‌شوند.

در سطح مدیریتی نیز پیشنهاد می‌شود قضات و پلیس در احکام و دستورات خود به گونه‌ای عمل کنند که حداکثر احساس اشتراک ارزشی میان آنها و شهروندان به وجود آمده مشروعیت سیستم حقوقی افزایش یابد و نیز از رهگذر جدیت در اعمال قانون، در جامعه تجربه قانون‌گرایی رواج یافته<sup>۱</sup> و گرایش مردم به قانون و باور به برابری همگان در مقابل آن گسترش یابد تا فرایند ظهور فرهنگ قانون‌گرایی و مناسبات شهروندی سریع‌تر شود. تحقق این سازوکار مستلزم فراهم آوردن سیستم نظارتی قوی و کارآمد به‌ویژه استفاده از الگوی نظارت مردمی خواهد بود.

۱. در خصوص اهمیت رفتار قانون‌گرایانه صاحب‌منصبان در افزایش قانون‌گرایی شهروندان (رک: سبحانی، ۱۳۹۵).

## منابع و مآخذ

۱. آجودانی، ماشاء الله (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*، تهران، اختران.
۲. آزادبخت، فرید (۱۳۸۹). «پارادایم میان‌رشته‌ای حقوق بین‌الملل: یک بررسی سیستمی با روابط بین‌الملل»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره سوم، ش ۱.
۳. اثنی‌عشری، حمید و مصطفی احمد خان‌بیگی (۱۳۸۷). «گامی به سوی پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری»، *نشریه حسابرس*، ش ۴۲.
۴. ارحامی، آسیه و همکاران (۱۳۹۴). «اظهار نظر کارشناسی درباره: طرح صیانت از حریم عفاف و حجاب»، دفتر مطالعات فرهنگی (گروه زنان و خانواده)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی: ۲۷۰، ش مسلسل: ۱۴۳۴۱.
۵. باقرآبادی، سیدمحمد (۱۳۹۴). «پذیرش استانداردهای بین‌المللی، راه دشوار پیش‌رو»، <http://www.drzavari.com/13895/%D9%BE%D8%B0%D9%8A%D8%B1%D8%B4-%D8%A7%D8%B3%D8%AA>.
۶. برکویتز، لئونارد (۱۳۸۷). *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه محمدحسین فرجاد و عباس محمدی اصل، چاپ پنجم، تهران، اساطیر.
۷. بیکنس، برایان (۱۳۸۹). *فرهنگ نظریه حقوقی*، ترجمه محمد راسخ و همکاران، تهران، نشر نی.
۸. پارسا، محمد (۱۳۸۳). *زمینه روان‌شناسی نوین*، چاپ بیستم، تهران، بعثت.
۹. جام جم آنلاین (۱) (۱۳۹۴/۸/۶). «فرار مالیاتی پاشنه آشیل اقتصاد ایران»، <http://www.jamejamonline.ir/NewsPreview/1983888220022124488>.
۱۰. جام جم آنلاین (۲) (۱۳۹۴/۹/۲۳). «اعتراض سهامداران به فساد در بورس»، <http://jamejamonline.ir/online/1939532284661555616>.
۱۱. جوادی یگانه، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی در نظام اداری کشور (با تأکید بر ادارات دولتی مشهد و تهران)»، *مجله دانش ارزیابی*، سال دوم، ش ۵.
۱۲. راسخ، محمد و فاطمه بخشی‌زاده (۱۳۹۲). «پیش‌زمینه مفهوم قانون در عصر مشروطه: از مالک الرقابی تا تنظیمات»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۸۳.
۱۳. رضایی، محمد و حمید عباداللهی (۱۳۸۵). «جامعه بی‌انضباط فراتحلیل قانون‌گریزی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی»، سال هفتم، ش ۳.
۱۴. رفیعی، محمدرضا، احمد مرکز‌المیری و سیدشهاب‌الدین موسوی‌زاده (۱۳۹۳). «گزارش پژوهشی راهکارهای کاهش دعاوی»، تهران، پژوهشگاه قوه قضائیه.





کنترل سرعت / عملکرد در حوزه راهداری نسبت به سال ۹۲ دو برابر شد»،

<http://news.mrud.ir/news/5725/%DB%B5%DB%B5%DB%B0>.

۲۴. سبحانی، حسن (۱۳۹۵). «تقدم توسعه یافتگی بر قانون گرایی»،  
<http://hasansobhani.ir/fa/news/218/%D8%AA%D9%82%D8%AF%D9%85->
۲۵. شاطری پور اصفهانی، شهید و علی حسین نجفی ابرندآبادی (۱۳۹۱). «تأثیرات جهانی شدن فرهنگ بر جهانی شدن پیشگیری اجتماعی از جرم»، *مجلس و راهبرد*، سال نوزدهم، ش ۶۹.
۲۶. شریف زاده، محمدجواد و الیاس نادران (۱۳۸۹). «ضرورت مطالعات میان رشته‌ای و افق‌های نوین در مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام (مورد کاوی قضیه کوز، هزینه‌های مبادله)، *مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۲، ش ۳.
۲۷. صانعی، پرویز (۱۳۸۱). *حقوق و اجتماع*، تهران، طرح نو.
۲۸. عاملی، سعیدرضا و نجمه محمدخانی (۱۳۸۷). «ارتباطات بین فرهنگی و گفتمان حقوقی، آموزشی و رسانه‌ای ایران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۱، ش ۴.
۲۹. عبداللهی، حمید (۱۳۸۹). «موانع ساختاری استقرار حاکمیت قانون در ایران؛ مطالعه موردی ایران عصر صفویه»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، ش ۹.
۳۰. علی بابایی، یحیی و علی اصغر فیروزجانیان (۱۳۸۹). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال یازدهم، ش ۴.
۳۱. علیزاده، عبدالرضا (۱۳۸۷). *مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سمت.
۳۲. قاسمی، علی اصغر و راضیه امامی میبیدی (۱۳۹۴). «نقش و جایگاه مطالعات میان رشته‌ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور»، *مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۷، ش ۴.
۳۳. کلانتری، خلیل (۱۳۸۷). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*، تهران، فرهنگ صبا.
۳۴. کلی، جان (۱۳۸۸). *تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب*، ترجمه محمد راسخ، چاپ دوم، تهران، طرح نو.
۳۵. لادیه - فولادی، ماری (۲۰۰۳). *جمعیت و سیاست در ایران از سلطنت تا جمهوری اسلامی*، دفتر شماره ۱۰۵ مؤسسه ملی مطالعات جمعیت‌شناسی فرانسه.
۳۶. لاگلین، مارتین (۱۳۸۸). *مبانی حقوق عمومی*، ترجمه محمد راسخ، تهران، نشر نی.

۳۷. ماکیاولی، نیکولو (۱۳۸۹). *شهریار*، ترجمه محمود محمود، تهران، نگاه.
۳۸. محسنی، رضا علی (۱۳۹۱). «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی»، فصلنامه *نظم و امنیت اجتماعی*، سال پنجم، ش ۱ (پیاپی ۱۷).
۳۹. محمدی، الناز (۱۳۹۴). «دوباره تابستان دوباره طرح امنیت اجتماعی»، <http://www.khabaronline.ir/detail/56319/society/urban>.
۴۰. مدرسی، علی (۱۳۷۳). «مدرس، مجلس و تاریخ: قانون‌گرایی و پایدردی‌ها»، *مجلس و پژوهش*، ش ۱۰.
۴۱. مرکز آمار و فناوری اطلاعات (۱۳۹۳). «گزارش عملکرد واحدهای قضایی، مردادماه ۱۳۹۳»، معاونت آمار و اطلاعات قوه قضائیه.
۴۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). «گزارش عملکرد واحدهای قضایی، مردادماه ۱۳۹۴»، معاونت آمار و اطلاعات قوه قضائیه.
۴۳. مرکز مالگیری، احمد (۱۳۹۴). *حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها*، ویراست دوم، چاپ سوم، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۴۴. نادریان، مسعود و سمیه رهبری (۱۳۹۳). «امکان‌سنجی تأسیس رشته کارشناسی ارشد حقوق ورزشی در دانشگاه‌های ایران»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۶، ش ۴.
۴۵. واحدی، شهرام و همکاران (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه مورد شهروندان آذربایجان غربی)»، *مجله انتظام اجتماعی*، سال اول، ش ۲.
۴۶. واقفی، الهام و منصور حقیقتیان (۱۳۹۴). «نقش سرمایه فرهنگی در رفتارهای اجتماعی زیست‌محیطی (مطالعه تجربی: شهر شیراز)»، *مجلس و راهبرد*، سال بیست‌ودوم، ش ۸۴.
۴۷. ویر، ماکس (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری و همکاران، تهران، مولی.
48. Banakar, Reza and Shahradsaz, Nasrolahi Fard (2012). "Driving Dangerously: Law, Culture and Driving Habits in Iran", *British Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. 39, No. 2.
49. Bica-Huiu, Alina and et al. (2007). "Building a Culture of Respect for the Rule of Law", in: [Http://www.apps.americanbar.org/.../thedl.cfm?.../Building.a...](http://www.apps.americanbar.org/.../thedl.cfm?.../Building.a...)
50. Godson, Roy (2004). "A Guide to Developing a Culture of Lawfulness", *Symposium on the Role of Civil Society in Countering Organized Crime: Global Implications of the Palermo, Sicily Renaissance*, Inter-American Drug Abuse Control Commission, Available in: [Http://www.cicad.oas.org/apps/Document.aspx?Id=309](http://www.cicad.oas.org/apps/Document.aspx?Id=309).

51. Gross Cunha, Luciana and et al. (2013). "Compliance to Law and Effectiveness of the Rule of Law in Brazil", *São Paulo Law School of Fundação Getulio Vargas-DIREITO GV Research Paper Series*, Legal Studies Paper, n. 78.
52. Hartmann, Michael E. and Agnieszka Klonowiecka-Milart (2011). "Lost in Translation Legal Transplants Without Consensus-Based Adaptation", in: *The Rule of Law in Afghanistan: Missing in Inaction*, Editor: Whit Mason, Cambridge.
53. Hayek, Friedrich August Von (1960). *The Constitution of Liberty*, University of Chicago.
54. Hyden, Hakan (2011). "Looking at the World Through the Lenses of Norms", in: *Understanding Law in Society: Development in Socio-legal Studies*, Edited by Knut Papendorf, Stefan Muchura, Kristian Andenæs ,Germany Lit Verlag Münster.
55. Jackson, Jonathan and et al. (2010). "Compliance with the Law and Policing by Consent: Notes on Police and Legal Legitimacy", in: *Legitimacy and Compliance in Criminal Justice*, A. Crawford, A. Hucklesby, eds., Routledge.
56. Jackson, J. and et al. (2012). "Why Do People Comply with the Law? Legitimacy and Influence of Legal Institutions", *British Journal of Criminology*, Vol. 52(6).
57. Jackson, Jonathan and et al. (2014). "Corruption and Police Legitimacy in Lahore, Pakistan, Available at SSRN: [Http://ssrn.com/abstract=2421036](http://ssrn.com/abstract=2421036).
58. Jackson, Jonathan and et al. (2015). "Compliance and Legal Authority" In: N. J. Smelser, James Wright and P. B. Baltes (eds.) *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, London, UK, Elsevier.
59. Katouzian, H. (2009). *The Persians: Ancient, Mediaeval and Modern Iran*, New Haven: Yale University.
60. Krygier, Martin (2007). "The Rule of Law: Legality, Teleology, Sociology", *University of New South Wales Faculty of Law Research Series*, Paper 65, University of New South Wales.
61. Krygier, M. (2010). "Four Puzzles about the Rule of Law: Why, What, Where? And Who Cares?", in: J.E. Fleming (ed.), *Getting to the Rule of Law*, New York, New York University Press.
62. KRYGIER, M. (2012). "Why the Rule of Law is Too Important To Be Left to Lawyers", *Prawo I Wiez*, nom 2.
63. Krygier, Martin (2016). "The Rule of Law: Pasts, Presents, and a possible Future", *Paper for seminar co-sponsored by Center for Study of Law & Society, and Kadish Center for Morality, Law & Public Affairs*, University of California Berkeley.
64. Levi, Margaret and et al. (2008). " The Reasons for Compliance With Law", Yale University Press.

65. Licht, Amir N. and et al. (2007). "Culture rules: The Foundations of the Rule of Law and Other Norms of Governance", *Journal of Comparative Economics*, Elsevier, Vol. 35(4).
66. Licht, Amir N. (2008) " Social Norms and the Law: Why Peoples Obey the Law", Electronic Copy available at: [Http://ssrn.com/abstract=1319242](http://ssrn.com/abstract=1319242).
67. Mackie, Gerry (2012). "Effective Rule of Law Requires Construction of a Social Norm of Legal Obedience", *University of Chicago Political Theory Workshop*, University of Chicago.
68. Magaloni, Beatriz (2008). "Enforcing The Autocratic Political Order and the role of Courts: The Case of Mexico" in: *Rule By Law: The Politics of Courts in Authoritarian Regimes*, Edited bt: Moustafa, Tamir and Ginsburg, Tom, Cambridge.
69. Massoud, Mark (2013). *Law's Fragile State: Colonial, Authoritarian and Humanitarian Legacies in Sudan*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.
70. McAdams, Richard H. (2000). "Focal Point Theory of Expressive Law", *Journal Articles, Chicago Unbound*, University of Chicago Law School.
71. Mehmetaj, Jonida (2014). "The Impact of the Political Culture In Political System and Rule of Law: Albania CASE", *European Scientific Journal*, Vol.1.
72. Merton, Robert (1971). *Social Structure and Anomie, in Mass Society in Crisis*, Bernard Rosenberg, Israel Gerver and William Howton, New Yourk, Macmillan.
73. Moustafa, Tamir and Tom Ginsburg (2008). "Introduction: The Function of Courts on Authoritarian Politics", in: *Rule By Law: The Politics of Courts in Authoritarian Regimes*, Cambridge.
74. North, Douglass C. and et al. (2009). *Violence and Social Order*, Cambridge.
75. Tamanaha, Brian Z. (2004). *On The Rule of Law*, Cambridge.
76. Tyler, Tom. R. and John M. Darley (2000). "Building a Law-abiding Society: Taking Public Views About Morality and the Legitimacy of Legal Authority into Account When Formulatiing Substantive Law", *Hofstrat Law Review*, Vol. 28.
77. Tyler, Tom. R. (2006). *Why People Obey the Law*, Princeton university Press.
78. The United Nations Rule of Law Indicators (2011). First edition, *Implementation Guide and Project Tools*, Department of Peacekeeping Operations, Office of the High Commissioner for Human Rights, United Nations Publication.
79. Weingast. Barry (1997). "The Political Foundations of Democracy and the Rule of Law", *American Political Science Review*, 91.
80. Weingast, Barry R. (2010). "Why Developing Countries Prove So Resistant to the Rule of Law", in James J. Heckman, Robert L. Nelson, and Lee Cabatingan(eds), *Global Perspective on the Rule of Law*, Abingdon, Routledge.